

## عدالت‌خواهی؛ محور پیوند نهضت حسینی و انقلاب اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد اولیائی\*

### اشاره

عدالت یکی از بزرگ‌ترین ارزش‌های انسانی و فضایل بشری است که برقراری آن نه تنها هدف دین اسلام، بلکه هدف همه ادیان الهی بوده است. نیاز بشر به عدالت نیز سبب شده است عالمان و اندیشمندان از زمان‌های دور تاکنون به بررسی این مسئله پردازند. از طرف دیگر، عدالت‌خواهی یکی از بنیادی‌ترین ارزش‌های الهی و انسانی است که در طول تاریخ، مصلحان و آزادگان را برای مبارزه با ظلم و ستم برانگیخته است. نهضت عاشورای امام حسین علیه السلام و انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه، دو قیام بزرگ الهی در دو مقطع متفاوت تاریخی هستند که محور اصلی هر دو، اقامه عدالت و مبارزه با هرگونه تبعیض و فساد بوده است.

### ۱. عدالت، مقصد مشترک انبیا و مصلحان

عدالت واژه‌ای است آشنا که از دیرباز در ژرفای جان انسان‌ها ریشه دوانده و بشر همواره در آرزوی دستیابی به آن، اقدام به مبارزات و قیام‌های بزرگ کرده است. اسلام در جایگاه کامل‌ترین دین الهی، نه تنها عدالت را یکی از اصول و ارزش‌های محوری خود معرفی می‌کند، بلکه تحقق آن را هدف بعثت انبیا و اولیای الهی قلمداد کرده است. خداوند متعال در قرآن کریم، نزول کتب آسمانی و فرستادن پیامبران را برای اقامه قسط و عدل در میان مردم می‌داند و می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۱</sup> ما پیامبران را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند». این آیه به خوبی نشان می‌دهد که جوهره دعوت انبیا، برقراری عدالت و قسط در جامعه

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

است. در این میان، دو قیام بزرگ و تأثیرگذار در تاریخ اسلام و تشیع، یعنی نهضت عاشورای امام حسین علیه السلام و انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه، تجلی عملی و عینی این هدف الهی بودند. امام حسین علیه السلام و به تبع آن امام شهید، امام خمینی رحمته الله علیه با الهام از همین آموزه قرآنی و با درک عمیق از فریضه الهی «امر به معروف و نهی از منکر»، در برابر ظلم و ستم حاکمان زمان خود ایستادند و جان خویش و یارانشان را در طبق اخلاص نهادند تا پرچم عدالت را برافراشته نگه دارند.

## ۲. عدالت‌خواهی، علت و هدف اصلی نهضت حسینی

بی‌شک نهضت امام حسین علیه السلام را می‌توان عدالت‌خواهانه‌ترین و ظلم‌ستیزترین قیام در تاریخ بشر دانست. سیره و کلام حضرت نشان می‌دهد که محور اصلی حرکت ایشان، مبارزه با بی‌عدالتی و تلاش برای برقراری قسط و عدل در جامعه اسلامی بوده است. امام حسین علیه السلام با استناد به فرمایش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مبنی بر عدم جواز سکوت در برابر ظلم ظالمان و جائران، قیام کرد و این انقلاب را تا مرز شهادت ادامه داد؛ برای اینکه همه جهانیان بدانند حکومت یزید در امتداد و روش حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؛ همچنین تازه‌مسلمانانی که تعداد آنها در گوشه و کنار جهان رو به افزایش بود، بفهمند و بدانند اسلام حقیقی چیزی نیست که بنی‌امیه و یزید آن را ترویج می‌کنند؛ بر همین اساس این کار امام حسین علیه السلام بسیار مهم و باارزش بود.<sup>۱</sup> بنابراین امام حسین علیه السلام یکی از اهدافش را جلوگیری از ظلم و ستم ظالمان و اجرای عدالت بیان می‌کند:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَدْ قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ تَاكِيًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُعَيِّرْ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ.<sup>۲</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کسی حاکم ظالمی را مشاهده کند که [بر اثر ظلم و جور] محرمات الهی را حلال شمرده، و عهد و پیمان‌های الهی را شکسته، و با سنت و سیره رسول خدا مخالفت کرده، و در میان بندگان خدا با گناه و دشمنی عمل می‌کند، و در مقابل چنین حاکم ستمگری هیچ‌گونه عکس‌العمل گفتاری یا رفتاری از خود بروز ندهد، خداوند چنین انسانی را در جایگاه

۱. ناصر مکارم شیرازی، اهداف قیام حسینی، ص ۱۰۱.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲؛ لوط بن یحیی ابی مخنف، مقتل ابی مخنف، ص ۸۵؛ ناصر

مکارم شیرازی، اهداف قیام حسینی، ص ۱۰۱.

همان ظالم ستمگر داخل می‌کند [و سرنوشت هر دو یکی است!].  
زمانی که اباعبدالله الحسین علیه السلام در سال‌های آخر عمر معاویه به مکه مشرف شدند و با ایراد خطبه پرشوری ضمن اینکه تکلیف مهم عالمان و بزرگان شهرها را برای پاسداری از دین و معتقدات مسلمانان و عواقب خاموش ماندن مقابل جنایت‌های بنی‌امیه بیان کردند، سازش و همراهی با حکومت جائر را گناهی بخشش‌ناپذیر دانستند و در پایان خطبه خویش اهداف فعالیت سیاسی خود علیه حکومت ناصالح بنی‌امیه را چنین ابراز داشتند:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ وَلَا ائْتِمَاسًا مِنْ فَضُولِ الْحَطَامِ  
وَلَكِنْ لِيُتْرِيَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَنُظَهَرَ الْإِصْلَاحُ فِي بِلَادِكَ وَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ  
وَيُعْمَلَ بِفَرَائِضِكَ وَسُنَنِكَ وَأَحْكَامِكَ: <sup>۱</sup> خداوندا، تو می‌دانی ما آنچه انجام دادیم [علیه  
حکومت بنی‌امیه] برای سبقت‌گرفتن در فرمانروایی و متاع ناچیز دنیا نیست، بلکه به  
این دلیل است که نشانه‌های دین تو را برپا سازیم و در شهرهای اصلاح صورت  
دهیم.

در زیارت‌نامه امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ وَدَعَوْتَ إِلَيْهِمَا:  
شهادت می‌دهم که تو به قسط و عدل دستور دادی و به دین دعوت کردی».

امام خمینی علیه السلام درباره اهداف قیام امام حسین علیه السلام و لزوم تبعیت از ایشان می‌فرماید:  
سیدالشهدا سلام الله علیه از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه‌شان  
اقامه عدل بود. فرمود که می‌بینید که معروف، عمل بهش نمی‌شود و منکر، بهش عمل  
می‌شود. انگیزه این است که معروف را اقامه کند و منکر را از بین ببرد، انحرافات همه  
از منکرات است، جز خط مستقیم توحید هر چه هست منکرات است، اینها باید از  
بین برود و ما که تابع حضرت سیدالشهدا هستیم، باید ببینیم که ایشان چه وضعی در  
زندگی داشت؛ قیامش، انگیزه‌اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود. من  
جمله قضیه حکومت عدل، جور، حکومت جور باید از بین برود.<sup>۲</sup>

### ۳. عدالت و انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام به شمار

۱. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۶۸.

۲. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱.

می‌آید. این انقلاب برخلاف بسیاری از انقلاب‌های دیگر که فقط با انگیزه‌های سیاسی یا اقتصادی شکل می‌گرفت، ریشه در عمیق‌ترین آموزه‌های دینی و اسلامی داشت. انقلاب اسلامی اساساً با عدالت اجتماعی عجین است و شاید بتوان گفت انقلاب اسلامی، نهضتی است که برای بسط عدالت اجتماعی و برچیدن اساس ظلم برپا شد. عدالت اجتماعی البته در شعارها و راهبردهای بسیاری از حکومت‌ها دیده می‌شود و همه انسان‌ها و حاکمیت‌های دنیا آن را جستجو می‌کنند؛ اما عدالت اجتماعی در نگاه انقلاب اسلامی از جامعیت خاصی برخوردار است.

درحقیقت قبل و بعد از انقلاب شاهد تغییری در مسئله عدالت اجتماعی هستیم؛ آن تغییر مهم، تغییر هویتی برای مسئله عدالت اجتماعی است، البته نه به این معنا که ما به عدالت اجتماعی دست یافته باشیم یا عدالت اجتماعی را در جامعه مستقر کرده و بسط داده باشیم، بلکه به این معنا که اساس رویکرد به مسئله عدالت اجتماعی یا انقلاب اسلامی رویکرد متفاوتی شد. وضعیت فساد اجتماعی وضعیت ظلم اجتماعی در دوره قبل از انقلاب و در دوره منحوس پهلوی بر هیچ‌کس پوشیده نیست؛ از آن نظام طبقاتی که ایجاد شده بود تا فسادهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که شاه و اطرافیانش سبب شده بودند؛ همچنین ظلم‌هایی که به مردم می‌شد و اسناد آنها موجود است و این ظلم‌ها بر هیچ‌کسی پوشیده نیست. انقلاب اسلامی ایران از آنجاکه با رویکرد ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی پای به صحنه گذاشته بود، مردم و حتی دیگران در جهان را متوجه این ظلم‌ها کرد. این رویکرد جدیدی بود که با حضرت امام علیه السلام پس از تغییر اساسی ساختار حاکمیت، مسیر بسط عدالت اجتماعی در دوران جدید را آغاز کرد.

در بیانات حضرت امام علیه السلام، واژگان مستضعفین و عدالت‌موج می‌زند؛ اساساً توجه به محرومان که قشر اصلی مورد توجه عدالت اجتماعی هستند، در کلمات امام بسیار دیده می‌شود. این نقش امام منحصر در ادبیات و گفتار نیست، بلکه در حکمرانی تحت حکومت حضرت امام هم می‌توان حکمرانی عادلانه را مشاهده کرد. پس هویت‌دهی به مسئله عدالت از طرف امام در دو جهت است: ادبیات یا گفتار و حکمرانی. امام می‌فرماید: «این انقلاب مهم اسلامی، رهین کوشش‌های این طبقه است؛ طبقه محروم، طبقه گودنشین، طبقه‌ای که این نهضت را به ثمر رساند و توفعی هم نداشت. من شما طبقه گودنشینان را از آن کاخ‌نشینان بالاتر می‌دانم».<sup>۱</sup>

۱. همان، ج ۱۴، ص ۲۶۱.

همچنین فرمودند: «منطق مستکبرین همین بود که استکبار [می کردند] تکبر می فروختند بر جامعه؛ ملت ما را طبقه پایین حساب می کردند. بالا کی بود؟ آقای آریامهر و آن دسته جات خودش! و همه شما را و همه ما را و همه ملت را حساب نمی آوردند»<sup>۱</sup>.  
ندیده شدن و نادیده گرفتن طبقه محرومان و مردم دقیقاً اساس ظلمی است که در حکومت پهلوی اتفاق می افتاد؛ در حالی که امام بر دیده شدن این طبقه تأکید دارد؛ این مفهوم همان هویت دهی انقلاب به مسئله عدالت اجتماعی است.

امام خمینی علیه السلام در مراحل گوناگون نهضت اسلامی و به صراحت قیام خود را برای اجرای عدالت می دانست و برای عدالت اجتماعی، به مصادیق و شرایطی اشاره می کرد که می تواند به گسترش عدالت در جامعه منجر شود:

الف) برابری حاکمان جامعه با فرودستان و تأثیرگذار نبودن موقعیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در میزان برخورداری افراد از حقوق عمومی و شهروندی؛

ب) پرهیز از رفتار خودسرانه و تلاش همگانی برای حرکت در چارچوب قانون؛

ج) توزیع عادلانه درآمدهای عمومی و تلاش برای رفاه و آسایش همگان به ویژه فرودستان و زاغه نشینان؛

د) انتقادپذیری زمامداران، ارائه پاسخ قانع کننده به انتقادات مردم و خدمتگزاری آنان به مردم. امام خمینی افزون بر نیازهای حیاتی مانند ارزاق و خدمات عمومی، مواردی مانند مسکن، بهداشت، آموزش و اشتغال را جزء نیازهای اساسی افراد و اقشار مختلف ذکر می کند و برابری همگان در بهره مندی از امکانات و منابع را عدالت اجتماعی می داند؛ بنابراین از نگاه ایشان مواردی مانند تلاش برای کاهش فاصله طبقاتی، مشارکت همگانی و جهاد برای محرومیت زدایی، مبارزه با روحیه زراندوزی و دنیاپرستی، ساده زیستی مسئولان، وضع قوانین حمایتی برای محرومان و اجرای قوانین و احکام اسلام، مهم ترین راهکارهای برقراری عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی هستند.<sup>۲</sup>

### دستاوردهای انقلاب اسلامی در زمینه عدالت

جمهوری اسلامی برای تحقق کامل عدالت، گام های بلندی را برداشته است؛ با این وجود در

۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۱۷ تا ۱۲۷.

۲. حمید فاضل قانع، «عدالت اجتماعی»، در: دانشنامه امام خمینی، ج ۷، ص ۲۲۶ - ۲۳۷.

دست‌یابی به همهٔ زمینه‌های عدالت، کاستی‌هایی دارد؛ همان‌گونه که امام شهیدمان حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای عنه‌السلام در «بیانیهٔ گام دوم» فرمود: «جمهوری اسلامی ایران در این راه [عدالت] گام‌های بلندی برداشته است ... با این همه اینجانب به جوانان عزیزی که آیندهٔ کشور چشم انتظار آنهاست، صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است».<sup>۱</sup> با وجود این فاصلهٔ ژرف، انقلاب اسلامی به دستاوردهای بسیار ارزشمندی دست یافته است؛ برای مثال:

الف) طبق آمارهای بانک جهانی، در دوران پهلوی فقط شانزده درصد روستاییان ایران به برق دسترسی داشتند؛ اما طبق آمار همین بانک در سال ۱۹۹۰ میلادی یعنی در سی سالگی انقلاب، حدود صد درصد روستاییان ایران به برق دسترسی دارند.<sup>۲</sup>

ب) طبق آمارهای مؤسسات بین‌المللی در دوران پهلوی پنجاه و یک درصد از کل مردم و سی درصد از روستاییان کشور به آب سالم آشامیدنی دسترسی نداشتند؛ اما طبق آمارهای بانک جهانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نه تنها بخش اعظم روستاییان کشور به آب سالم دسترسی دارند، بلکه ایران با وجود پهناوری و مشکلات خشکسالی، جایگاه هفتم در ارزیابی آب آشامیدنی را داراست.<sup>۳</sup>

ج) در آموزش و پرورش و توسعه مدارس و امکان تحصیل در سطوح عالی برای پسران و دختران در دورافتاده‌ترین نقاط کشور، آمار رشد و تلاش مسئولین نظام قابل تأمل و توجه است.

د) در مجموع یکی از معیارهای سنجش رشد و توسعه جامعه، شاخص توسعه انسانی<sup>۴</sup> است. برخلاف تبلیغات و جنگ روانی گسترده‌ای که دشمنان این انقلاب و همراهان کم‌دقت آنان به راه انداخته‌اند، طبق آمار دفتر برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۸۰ میلادی، یعنی حدوداً زمانی که انقلاب پیروز شد، ایران در رده کشورهای با توسعه انسانی پایین معرفی شده

۱. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>.

۲. محمدحسین راجی و محمدرضا خاتمی، صعود چهل‌ساله: مروری بر دستاوردهای ۴۰ ساله انقلاب اسلامی بر اساس آمارهای بین‌المللی، ص ۱۰۳.

۳. همان.

۴. «شاخص توسعه انسانی» Human Development Index | HDI یک ابزار آماری است که برای اندازه‌گیری دستاوردهای کلی یک کشور در ابعاد اجتماعی و اقتصادی به کار می‌رود. طبق این شاخص، ابعاد اجتماعی و اقتصادی یک کشور بر اساس سلامت، سطح تحصیلات و سطح زندگی افراد ارزیابی می‌شود.

است و پس از چهل سال، صعودی شصت‌پله‌ای داشته و در میان کشورهای با توسعه انسانی بالا، رتبه اول را کسب کرده است.<sup>۱</sup>

#### ۴. تحلیل تطبیقی و پیوند ناگسستنی دو نهضت

پس از تبیین جایگاه عدالت در هر یک از این دو نهضت بزرگ، اکنون به بررسی وجوه اشتراک، تفاوت و پیوند عمیق میان آنها می‌پردازیم. بی‌تردید انقلاب اسلامی ایران ادامه‌دهنده راه نهضت عاشورا و تجلی عینی آرمان‌های آن در عصر معاصر است.

هر دو قیام، ریشه در یک باور و انگیزه مشترک دارند: «احیای دین خدا و برقراری عدالت در جامعه». قیام عاشورا برای اصلاح امت جدش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و احیای سنت نبوی بود که بر اثر ظلم و جور حاکمان اموی به فراموشی سپرده شده بود؛ به همین ترتیب، انقلاب اسلامی ایران نیز در پی آن بود که اسلام ناب محمدی را که در دوران طاغوت و استبداد به حاشیه رانده شده بود، دوباره در عرصه اجتماع و سیاست حاکم کند. علت اساسی هر دو قیام، «تداوم و تجدید اسلام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» است.

مهم‌ترین دلیلی که این دو نهضت را به هم پیوند می‌دهد، اذعان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی به این ارتباط است. امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ فرمودند: «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است». این جمله نه یک شعار تبلیغاتی، بلکه یک تحلیل عمیق تاریخی و سیاسی است. ایشان نشان داد که انقلاب اسلامی تنها یک رویداد سیاسی در ایران نیست، بلکه حلقه‌ای از زنجیره مبارزات عدالت‌خواهانه انبیا و اولیای الهی است که با قیام عاشورا به اوج رسید.

تأثیر عاشورا بر انقلاب اسلامی ایران تنها به شعار و گفتمان محدود نمی‌شود، بلکه در عناصر کلیدی انقلاب اسلامی همچون نمادها (سربندهای یا حسین، یا زینب)، مراسم و آیین‌ها (عزاداری‌های محرم به مثابه پایگاه مبارزه) و انگیزه شهادت‌طلبی رزمندگان در جنگ تحمیلی به روشنی مشاهده می‌شود. آغاز قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ که نقطه عطفی در تاریخ انقلاب به شمار می‌آید، مصادف با دوازدهم محرم بود و پیروزی انقلاب نیز مقارن با ایام تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ به وقوع پیوست.

---

۱. محمدحسین راجی و محمدرضا خاتمی، صعود چهل‌ساله: مروری بر دستاوردهای ۴۰ ساله انقلاب اسلامی بر اساس آمارهای بین‌المللی، ص ۱۱۴.

### کتاب‌نامه

#### قرآن کریم

۱. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ج ۲، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعة الطف، تصحیح: محمدهادی یوسفی غروی، ج ۳، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۳. راجی، محمدحسین و محمدرضا خاتمی، صعود چهل‌ساله: مروری بر دستاوردهای ۴۰ ساله انقلاب اسلامی بر اساس آمارهای بین‌المللی، مشهد: انتشارات معاونت تبلیغ آستان قدس رضوی، ۱۳۹۷ ش.
۴. فاضل قانع، حمید، «عدالت اجتماعی»، در: دانشنامه امام‌خمنی، ج ۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمنی علیه‌السلام، ۱۴۰۰ ش.
۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۶. مکارم شیرازی، ناصر، اهداف قیام حسینی، قم: انتشارات امام‌علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، ۱۳۸۸ ش.
۷. موسوی خمنی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمنی علیه‌السلام، ۱۳۷۸ ش.